

### پیام تسلیت رهبر انقلاب

### در پی درگذشت آیت‌الله محفوظی

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت عالم بزرگوار آیت‌الله آقای حاج شیخ عبس محفوظی را تسلیت گفتند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

در گذشت عالم بزرگوار آیت‌الله آقای حاج شیخ عباس محفوظی رحمه‌الله‌علیه را به خاندان محترم و همه دوستان و ارادتمندان و شاگردان ایشان تسلیت عرض می‌کنم. این عالم جلیل از شاگردان و یاران دیرین امام راحل رضوان‌الله‌علیه و از وفاداران به آن بزرگمرد تا آخر عمر بابرکت خود بودند. رحمت الهی و علو درجات ایشان را از خداوند مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

۲۴ شهریور ۱۴۰۲

### ■ ■ ■

## «باقری» دبیر شورای راهبردی روابط خارجی شد

علی باقری به عنوان عضو جدید و دبیر شورای راهبردی روابط خارجی معرفی شد. صبح دیزوز (شنبه) در مراسم تودیع سیدعباس عراقچی دبیر سابق شورا، علی باقری کنی به عنوان عضو جدید و دبیر شورای راهبردی روابط خارجی معرفی شد و از تلاش‌های عراقچی در دوران تصدی دبیری شورا تقدیر به عمل آمد. در حکم صادره توسط «سیدکمال خرازی» رئیس شورای راهبردی روابط خارجی برای علی باقری آمده است: با توجه به نظر مقام معظم رهبری مبنی بر عضویت جنابعالی در شورای راهبردی روابط خارجی، به این وسیله مسؤولیت دبیر خانه شورا نیز به جنابعالی سپرده می‌شود. در این حکم همچنین آمده است: طبعاً حکم مشاورت جناب دکتر عراقچی، وزیر امور خارجه به جنابعالی نیز به انجام وظایف دبیر خانه شورا کمک خواهد کرد. توفیق جنابعالی را از درگاه خداوند متعال مسألت دارم. پیش از باقری، «سیدعباس عراقچی» دبیر شورای راهبردی روابط خارجی بود.

### ■ ■ ■

کنعنی:

## امید در فلسطین و یأس در سرزمین‌های اشغالی موج می‌زند

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: امید در فلسطین و یأس در سرزمین‌های اشغالی موج می‌زند.ناصر کنعانی در صفحه شخصی خود در ایکس نوشت: فیلمی کوتاه ما گویا از عهق آمده است: با پیروزی در فلسطین؛ جشن میلاد پیامبر اسلام(ص) در شهر دیرالبلح در نوار غزه؛ فرق بسیاری بین ملتی اصیل و ریشه‌دار و موجودیتی برساخته و بی‌ریشه است. وی همچنین گفت: ایستادگی اسطوره‌ای ملت فلسطین در ویرانه‌های نوار غزه به رغم دردها و زنج‌های غیرقابل توصیف و فرار و مهاجرت معکوس اشغالگران از سرزمین‌های اشغالی؛ امید در فلسطین و یأس در سرزمین‌های اشغالی موج می‌زند.

### ■ ■ ■

## دیدار رئیس سازمان پدافند غیر عامل واوزیر کشور

رئیس سازمان پدافند غیر عامل با وزیر کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. غلامرضا جلالی در این دیدار با تبریک آغاز به کار اسکندر مومنی اقدامات انجام‌شده در سازمان پدافند غیر عامل را تشریح کرد. وی با تشریح اهداف، برنامه‌ها و راهبردهای این سازمان گفت: خوشبختانه با تصویب و ابلاغ قانون تشکیل سازمان پدافند غیر عامل، فصل مشترکی از همکاری‌های نیروهای مسلح و دستگاه‌های کشور برای ارتقای تاب‌آوری زیرساخت‌های حساس، حیاتی و مهم گشوده شد. وی ابراز امیدواری کرد در دولت چهاردهم، شاهد رشد، تعالی و ارتقای پایداری ملی باشیم. دکتر اسکندر مومنی، وزیر کشور نیز در این دیدار بر اهمیت و حساسیت مأموریت‌های پدافند غیر عمل در پیشگیری از آسیب‌پذیری تأکید کرد.

### ■ ■ ■

## استعقای حسین‌زاده تقدیم هیأت‌رئیسه مجلس شد

سخنگوی هیأت‌رئیسه مجلس گفت‌استعقای عبدالکریم حسین‌زاده از نمایندگی مجلس تقدیم هیأت‌رئسه شد که در جلسه علنی روز یکشنبه اعلام وصول می‌شود. جت‌الاسلام علی‌رضا سلیمی اظهار کرد: استعقای عبدالکریم حسین‌زاده از نمایندگی مجلس تقدیم هیأت‌رئیسه شده است که در جلسه علنی فردا (امروز) اعلام وصول خواهد شد. وی افزود، در همین رابطه رئیس‌جمهور در نامه‌ای به مجلس اعلام کرده می‌خواهد آقای حسین‌زاده را به عنوان معاون رئیس‌جمهور در امر توسعه روستایی و مناطق محروم کشور منصوب کند. سخنگوی هیأت‌رئیسه مجلس در توضیح روند بررسی استعقای حسین‌زاده از نمایندگی مجلس گفت: طبق آیین‌نامه ابتدا باید استعفا اعلام وصول شود و سپس یک هفته بعد این موضوع در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد. در صورتیکه نمایندگان با استعفا موافقت کردند، ایشان مجوز حضور در دولت را پیدا خواهد کرد. استعفا نیز باید مدلل باشد که دلیل استعقای آقای حسین‌زاده همکاری با دولت است.

### ■ ■ ■

## بررسی مسائل امنیتی جنوب شرق کشور در کمیسیون امنیت ملی مجلس

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به جلسه این کمیسیون که در شورای تأمین استان کرمان برگزار شد،گفت: در این جلسه عمده مسائل امنیتی جنوب شرق کشور همچون قاچاق اتباع غیرمجاز بیگانه و گروهک‌های تروریستی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. ابراهیم رضایی با اشاره به سفر نظارتی اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به استان کرمان، اظهار کرد: عصر روز گذشته اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ۲ جلسه در استانداری کرمان داشتند و وی توضیح داد: جلسه اول با سردار مرتضوی فرمانده قرارگاه قدس جنوب شرق کشور بود که توضیحی درباره وضعیت امنیت در جنوب شرق کشور به نمایندگان ارائه داد.

**اشکان صدیق:** خبر به راه رفتن مهسا امینی در بعدازظهر ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ کافی بود تا جرقه اغتشاشاتی زده شود که با فوت او در روز ۲۵ شهریور به اوج رسید و چند ماه تمام کشور را دست‌خوش ناآرامی‌های بسیار کرد. در پی این آشوب‌ها تعدادی از هموطنان‌مان توسط اغتشاشگران به شهادت رسیدند. سیدروح‌الله عجمیان که آبان ۱۴۰۱ توسط آشوبگران در اتوبان کرج – قزوین با ضربات متعدد چاقو و سنگ و لگد به شهادت رسید، یکی از همین شهدا بود. تصاویر شهادت مظلومانه او اندکی بعد تبدیل به بهترین گواه بر آشوبطلبی اغتشاشگرانی شد که با اسم رمز «زن، زندگی، آزادی» خط فرمزهای بسیاری را زیر پا گذاشته و جنایت متعددی را انجام دادند. در روزهایی که یادآور وقایع تلخ نیمه دوم سال ۱۴۰۱ است، به گفت‌وگو با «سیدمیرزاولی عجمیان طهران» پدر «شهید سیدروح‌الله عجمیان» و مادر آن شهید عزیز پرداختیم.

\*\*\*

■ **جناب آقای عجمیان! شما چند فرزند دارید و آقای سیدروح‌الله فرزند چندم شما بود؟**

**پدر شهید:** من ۷ فرزند داشتم، و روح‌الله فرزند آخرم بود. بهمن سال ۷۴ به دنیا آم و آبان ۱۴۰۱ به شهادت رسید.

■ **از فضای تربیتی آقا روح‌الله بفرمایید، همسرتان چه فضای تربیتی‌ای را برای ایشان فراهم دیده بودند که او به این درجه رسید؟**

پدر شهید: هر کسی سعی می‌کند خانواده خود را درست تربیت کند ولی این به خود شخص هم برمی‌گردد چون شخص هم باید طالب باشد در غیر این صورت هر چه بگویید، کار خودش را انجام می‌دهد. روح‌الله را در ۱۲ سالگی در بسیج ثبت‌نام کردیم و به مدرسه می‌رفت و بعد از آن به بسیج می‌رفت و به راه‌های دیگر منحرف نمی‌شد. چون از بچگی به بسیج عادتش دادیم مسیر اهل‌بیت(ع) و مدافعان حرم را بخوبی می‌شناخت. سال ۹۵ سرباز ارتش بود و خواست به سوریه برود اما چون سرباز ارتش بود نمی‌توانستند او را بفرستند. ایشان خیلی تلاش کرد مدافع حرم شود و ۲ سال خدمت را ۴ سال و ۴ ماه خدمت کرد چون برای اعزام به سوریه و فراخوان‌های مختلف بسیج می‌رفت اضافه خدمت می‌خورد. هر کاری کرد قسمت نشد به سوریه برود تا اینکه سال ۱۴۰۱ توسط اغتشاشگران کشته شد.

■ **رابطه شهید با پدر و مادر چطور بود؟**

**پدر شهید:** رابطه‌اش بسیار خوب بود، هم با من و مادرش و هم خواهر و برادرهایش، با مادرش راحت‌تر بود. چون بچه آخر بود هم مادرش خیلی به او وابسته بود. هم در خانه و هم بیرون از خانه بسیار مودب بود. مسؤول گروه جهادی پایگاه بود، در ایام کرونا شب و روز در کوچه‌ها و سمسازی می‌کرد، زمان سیل می‌رفت، زمان زلزله کارنامه‌اش از اینجا وسایل جمع‌آوری می‌کرد و به کارخانه می‌برد. همیشه در خدمت به مردم نگر اول بود. در اغتشاشات سال ۹۸ که بر سر بنزین رخ داد، وقتی برمی‌گشت همه دست و پاهایش سوخته بود، همیشه نگر اول بود. مادرش به او می‌گفت تا می‌شود جلو نرو. آنقدر به بسیج و سپاه وابسته بود سر شغل دیگری نمی‌توانست برود برای کار در یک شرکت باید طبق ساعت بروید و برگردید اما او نمی‌توانست در شرکت بماند. کارگر روزمزد بود. کارگر ساختمانی بود. برای بحث‌های معیشتی می‌رفت و تحقیق می‌کرد و نیازمندان را شناسایی می‌کرد. فعالیت خوبی داشت و تا جایی که در توان داشت، دریغ نمی‌کرد.

■ **شما به لحاظ اقتصادی این بچه‌ها را با چه وضعی بزرگ کردید؟**

**پدر شهید:** من کارگر ساختمان بودم، با پول کارگری اینها را بزرگ کردم. گاهی حتی پول نداشتیم یک نان لواش بخرم. کارگر ساختمانی و کارگر فضلی دائم سر کار نیست، سر چهارراه‌ها می‌رویم و اگر کار پیدا شود، انجام می‌دهیم. وضع اقتصاد خوبی ندارند. از صبح بیرون می‌روی که درآمدی کسب کنی ولی ماه‌ها بیکار هستی، هم شرمند خانواده می‌شوی و هم اوضاع معیشتی هر روز بدتر می‌شود. این محل همه ساله پایین هستند بسیار کم سرمایه‌دارند، یکی دو نفر وضع مالی خوبی دارند و به ۱۰ نفر نمی‌رسند. خانواده‌هایی که این محل هستند، اکثرا کارگر هستند. با کارگر ساختمانی هستند یا کارگر شرکت هستند که حقوق پایینی دارند، وقتی بسته‌های معیشتی می‌آید همه در حسینیه صف می‌ایستند و ثبت‌نام می‌کنند. علت این است که این محل مستعفی‌ترین است و زمین‌های این منطقه هم برای اوقاف است و متراز ۵۰ متر خانه می‌سازند چون کارگر هستند و پول ندارند.

■ **دوستان سیدروح‌الله در این محل مثل خودش بودند؟**

**پدر شهید:** بله! همه کسانی که با آقا روح‌الله آشنا بودند، همه بسیجی هستند. بسیج هم حقوق ندارد و تا جایی که من می‌دانم یک چوب کبریت هم به اینها نمی‌دهند و حتی لباس هم خوششان باید بگیرند. کسی که بسیج می‌رود برای رضای خدا می‌رود. اگر کسی کتک‌اشن هم بزند، از نظر قانون هیچ پشتیبانی ندارند. فرمانده پایگاه را کتک زدند و هیچ کاری برای او انجام ندادند.

■ **در این فضای سخت اقتصادی که گفتید آقا روح‌الله شده بود که اعتراضی بکند یا از شما چیزی درخواست کند که در توان شما نباشد؟**

**پدر شهید:** نه! اعتراض نمی‌کرد. وقتی به باشگاه می‌رفت و لباسی می‌خواست یا می‌خواستند به اردو بروند، شاید می‌گفت پول ندارم و پول بدهید، البته خودش هم کار می‌کرد و می‌دانست چه کسی نیازمندی است. به او کمک می‌کرد. با اینکه خودش کار می‌کرد، پول در جیب نداشت و مدام به نیازمندان کمک می‌کرد. به او می‌گفتم تو فردا روزی می‌خواهی تشکیل خانواده بدهی اما می‌گفت من شاید به آن روز نرسم.

■ **از چند سالگی وارد بازار کار شد؟**

**پدر شهید:** از ۱۶ – ۱۵ سالگی وارد بازار کار شد. ما سرمایه‌ای نداشتیم و از طرفی هم من مریض بودم و ۵ سال است که حتی یک ساعت هم نمی‌توانم کار کنم. سال ۸۹ کم‌رم را عمل کردم و چون کار کردم باز باید عمل کنم.

■ **اگر موافق باشید به سبک زندگی و خلقیات آقا روح‌الله بیشتر بپردازیم. به نظر شما چه ویژگی‌های اخلاقی‌ای در**



زندگی آقا روح‌الله باعث شد او به این مقام بلند برسد؟
**پدر شهید:** روح‌الله از ۱۲ سالگی که به بسیج رفت، دیگر بیشتر کارش با سپاه و بسیج بود و در مراسمات مختلف شرکت می‌کرد و خیلی با بچه‌های محل و دنبال تفریح نبود. اهل تفریح با غریبه‌ها نبود به همین دلیل منحرف نشد. بسیار به نظام جمهوری اسلامی علاقه داشت و کسی نمی‌توانست او را درباره حکومت نکته منفی بگوید. چون بیشتر با سپاه و بسیج و اهل بیت بود، خودش را در آن راه می‌دید. ۳ روز قبل از شهادت به زیارت شهید مدافع حرم در امامزاده محمد رفته بود. آنجا به دوستانش می‌گوید وقتی من شهید شدم مرا اینجا خاک کنید، از او می‌پرسند چرا به خانواده نمی‌گویی، می‌گوید نمی‌خواهم خانواده را ناراحت کنم. وقتی شهید شد، قرار بود امامزاده طاهر به خاک سپرده شود ولی دوستانش گفتند وصیت کرده در امامزاده محمد دفن شود و چند روزی مراسم تشییع به تأخیر افتاد تا در امامزاده محمد به خاک سپرده شد.

■ **علاقه قلبی و احساسات سیدروح‌الله نسبت به رهبر معظم**

**انقلاب چگونه بود؟**

**پدر شهید:** بسیار زیاد بود. نمی‌توانست در جمعی برود که

علیه رهبر و حکومت حرف بزنند. چون ایشان مدام در سپاه بود و آموزش دیده سپاه بود و با دوستان به تفریح نمی‌رفت و درسش که تعطیل می‌شد به خانه می‌آمد و بعد از آن به خانه ما آمدند و خیلی گریه و زاری می‌کردند و خیلی بی‌قرار بودند. من به آنها گفتم اشکال ندارد به هر حال او شهید شده است و شما خودتان را اذیت نکنید. آنها می‌گفتند ما قبل از آشنایی با آقا روح‌الله جزو اغتشاشگران بودیم اما آقا روح‌الله پس از صحبت‌های بسیار ما را راهنمایی کرد و امروز عضو بسیج هستم. خیلی گریه می‌کردند و می‌گفتند آقا روح‌الله برای ما و امثال ما رفت. من به آن چند جوان گفتم اگر شما واقعا معتقدید آقا روح‌الله برای شما رفت پس راه و مسیر او را ادامه دهید. روح‌الله خیلی روی مساله حجاب و حفظ عفت و حریم خانهای جامعه حساس بود. یک بار در محل ظاهر چند پسر مزاحم یک دختر خانم چادری می‌شوند و تلاش می‌کنند روسری و چادر از سر او بکشند اما آقا روح‌الله سر می‌رسد و آن دختر را نجات می‌دهد. وقتی که به خانه آمد دیدم سر و صورتش زخمی است. به او گفتم چه شده؟

گفت با بچه‌ها شوخی می‌کردیم و اینطور شد اما واقعیت این بود که برای نجات آن دختر با آن چند جوان درگیر شده بود. بعد از شهادت آقا روح‌الله خیلی از این دخترها و پسرها پیش من می‌آمدند و از تلاش روح‌الله برای دفاع از حجاب و خدمت رهبری و سپاه می‌پاشد. می‌گفت من بسیج‌را می‌خواهم و به غیر از بسیج چیزی لازم ندارم. خودش را وقف این راه کرد.

■ **در ایام فتنه ۱۴۰۱ و اتفاقات آن روزها**

**حالات آقا روح‌الله چگونه بود؟ آیا درباره**

**شرایط آن روزهای کشور با شما درد**

**دل می‌کرد؟**

**پدر شهید:** چیزی به من بروز نمی‌داد. روز

شهادت من صبح بیدار شدم که به ربط

کریم بروم. گفتم می‌خواهم بروم سرکار.

ساعت ۱۱:۳۰ خانم به من زنگ زد و

گفت اینجا جنگ است و گوشی روح‌الله

هم در دسترس نیست. به فرمانده پایگاه

زنگ زد و در گفتم: چسرا روح‌الله جواب

نمی‌دهد؟ گفت با بچه‌های گردان رفته،

گفتم تا بچه‌های گردان بیرس چرا گوشی

را جواب نمی‌دهد. من نمی‌دانستم شهر

شلوغ شده. برگشتم و ترفیق بود و خود

در مسیر بودم، تا رسیدم ساعت ۴ یا ۴:۳۰

شده، به ایشان زنگ زد ولی گوشی‌اش در

دسترس نبود، به خانم گفتم من می‌روم

حوزه بینیم چه خبر است. رفتهم حوزه دیدم همه نیروها دم

در ایستاده بودند و تنها شخصی که اینها نبود روح‌الله

و فرمانده حوزه بود. فرمانده پایگاه جلو آمد گفتم روح‌الله

کجاست، گفتم من نمی‌توانم بگویم، پاهایم می‌لرزد. گفتم

هر چه از خدا بیاید، خوشی شده و این نباید پاهای یک نظامی بلرزد.

گفتم روح‌الله زخمی شده و در بیمارستان کوثر است. یکی

از بچه‌ها گفت زنگ زده‌اند که شناسنامه خودش و پدرش را

ببریم. آن زمان فهمیدم اگر هم شهید نشده، حالش وخیم

است، رفتهم شناسنامه را که بگیرم، مادر روح‌الله گفت من هم

می‌آیم، تقریبا ۵۰ متر مانده بود که به بیمارستان برسیم تماس

گرفتند پسر شهید شده‌است. در حوزه به من نگفتند پسر

شهادت شده، بلکه گفتند زخمی شده‌است. ما رفتم بیمارستان

و جنازه‌اش را دیدیم و بر گشتیم.

■ **سردار خانم عجمیان! شما با آقا روح‌الله رابطه نزدیک‌تری**

**داشته‌ید. از روزهای منتهی به شهادت ایشان بگویید.**

**مادر شهید:** آقا روح‌الله ۲–۳ روز قبل از آنکه شهید شود خیلی

ناراحت بود. یک درختی جلوی خانه بود همیشه می‌رفت پای

### واکنش نایب‌رئیس مجلس به موضوع کریدور زنگرور



علی نیکزاده، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در مطلبی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ملت عزیز ایران! ظرفیت ژئوپلیتیک هر کشور ابزار حصول منافع ملی است». وی افزود: «جمهوری اسلامی ایران تحرکات غیرسازنده همسایگان خویش پیرامون این مهم را غیرپذیرفتنی تلقی خواهد کرد و مجلس شورای اسلامی با تمام توان در کنار سایر ارکان نظام جهت تثبیت ژئوپلیتیک ایران عزیز خواهد کوشید».

## گفت‌وگوی «وطن امروز» با والدین شهید سیدروح‌الله عجمیان از شهدای اغتشاشات ۱۴۰۱

# ملاکش فقط ولایت فقیه بود

بخشی می‌کرد. آن‌ا هم چند عکس از امام خمینی و آقای خامنه‌ای را که دست آقا روح‌الله به آنها خورده به رسم یادگاری در خانه نگه داشتم.

■ **دیدار با رهبر معظم انقلاب چه تأثیری در حالات روحی شما گذاشت و چقدر باعث دلگرمی شما شد؟**

**مادر شهید:** خیلی خوشحال شدیم. ما چند سال قبل از اینکه آقا روح‌الله به شهادت برسد چند باری به حاج آقا و دیگران می‌گفتمیز از طریقیتونامیم بهه دیدار آقا برویم. بویژه یکی از دخترهایم خیلی دوست داشت آقا را از نزدیک ببیند. تا شهادت آقا روح‌الله این توفیق نصیب خانواده ما نشده بود که آقا را از نزدیک ببینیم اما پس از شهادت روح‌الله ۲–۳ نوبت توانستیم آقا را از نزدیک زیارت کنیم. خود آقا روح‌الله هم خیلی دوست داشت آقا را زیارت کند اما متأسفانه در دوران حیات این توفیق را نیافت.

■ **حاج آقا عجمیان! شما قبل از شهادت آقا روح‌الله، رهبر انقلاب را زیارت کرده بودید؟**

**پدر شهید:** بله! من چند بار در زمان جنگ در منطقه حضرت آقا را از نزدیک دیده بودم. در عملیات والفجر ۸ و عملیات مرصاد آقا به منطقه آمده بودند و من آنجا آقا را دیدم. بعد از شهادت آقا روح‌الله هم که چند بار توفیق شد از نزدیک آقا را زیارت کنیم. خاطرم هست یک دفعه آقا فرمودند: «آرامن و روح‌الله رفتند تا آرمان روح‌الله بماند».

■ **شما در طول عمر خود عزیزی را به واسطه مرگ‌های طبیعی از دست داده‌اید. اکنون که ۲ سال از شهادت آقا روح‌الله می‌گذرد بفرمایید تفاوت از دست دادن آقا روح‌الله با سایر عزیزان و بستگانی که در طول عمر خود از دست دادید چه بود؟**

**پدر شهید:** بالاخره همه ما یک روزی می‌میریم. به قول قدیمی‌ها دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد. خیلی‌ها به واسطه تصادف یا مرگ‌های ناگهانی از دنیا می‌روند اما آن کس که در راه یک مسیر مقدس جانش را فدا کند خیلی تفاوت دارد. آن کس که جانش را در راه دفاع از دین و مملکتش فدا می‌کند یک مرگ عزیزانه و متفاوت دارد. در این زمینه هم فرقی بین شهدا وجود ندارد، چه شهدای بیرون مرزها و چه شهدایی که برای امنیت مردم، داخل کشور شهید شدند. تفاوتی بین‌شان نیست. همین چند روز پیش ۳ نفر از عزیزان انتظامی برین حفظ امنیت مرگ به شهادت رسیدند. اینها هم جزه همین گروه هستند و مرگ عزیزانه‌ای داشتند. کسی که جانش را برای مردم جامعه فدا می‌کند آن مرگ مرگ نیست بلکه یک تولد دیواره است. ما هرچه از آرامش و آسایش و امنیت داریم همه را مدیون شهدای کشور هستیم. داشن تا نزدیک مرزهای ما آمد و اگر موفق می‌شد عراق و سوریه را اشغال کند، قطعا کشور بعدی ایران بود اما شهدای مدافع حرم این اجازه را به آن ندادند. حالا بماند که عده‌ای بی‌انصاف شهدای مدافع حرم و بعضی از شهدای ما را به دریافت پول و امکانات متمم کردند و گفتند اینها برای پول به جنگ رفتند اما واقعیت این است که کسی برای پول جان فزینش را به خطر نمی‌اندازد. ■ **آیا مشابه این تهمت‌ها را به شما و آقا روح‌الله نسبت می‌دادند؟**

**پدر شهید:** بله! خیلی زیاد. پشت سر ما حرف‌های زیادی درآوردند. همین چند روز پیش به تلفن همسرم زنگ زدند و شروع به فحاشی و تهمت‌زنی کردند.

**مادر شهید:** همین چند روز پیش یک نفر به تلفن همراه من زنگ زد و شروع کرد به فحش دادن. بعد از شهادت آقا روح‌الله از این مسائل برای ما نیز پیش آمد. من صبح روز شهادت، موقعی که روح‌الله از خانه بیرون رفت من او دیدم، روح‌الله با عجله و شتاب زیادی از خانه بیرون رفت و من نتوانستم از او بپرسم این عجله و شتاب برای چیست. من نگران شدم و برای همین چند بار به او زنگ زد اما هرچه زنگ زد پاسخ نداد. در آن شلوغی‌ها فرمانده به همه نیروها می‌گوید عقب‌نشینی کنید اما روح‌الله عقب‌نشینی نمی‌کند. ظاهرا یکی از دوستانش در بین اغتشاشگران گیر می‌افتد و روح‌الله می‌رود تا به او کمک کند. وقتی آن دوست را نجات می‌دهد او به روح‌الله می‌گوید سسیدا تو را به خدا بیا برگردیم چرا که تعداد اینها خیلی بیشتر از ما است اما روح‌الله به او می‌گوید تو برگرد ولی من باید بمانم. روح‌الله ۲–۳ تا خانم را در زیر پل قیصرستان بی‌بی سکنیه مشاهده می‌کند و از ترس اینکه این خانم‌ها به دست اغتشاشگران بیفتند به کمک آنها می‌رود تا آنها را از میلهک فراری بدهد. آقا روح‌الله خانم‌ها را نجات می‌دهد اما خودش متأسفانه به دست اغتشاشگران می‌افتد. شنیدم روح‌الله در میان ۴۸ نفر از اغتشاشگران تنها گرفتار می‌شود. ■ **عقاید و سلیق سیاسی سیدروح‌الله چطور بود؟ آیا تعلق خاطر به حزب یا گروه خاصی سببش در کشور داشت؟**

**پدر شهید:** روح‌الله فقط پیرو خط امام و رهبری بود. کاری با گروه‌ها و دسته‌های سیاسی اعم از چپ و راست نداشت. ملاکش فقط ولایت فقیه و ارزش‌های انقلاب اسلامی بود. بعد از شهادت روح‌الله هم در بعضی انتخابات‌ها سرآم ما می‌آمدند تا علیه یکی از کاندیدانها موضع بگیریم. ولی ما به عنوان خانواده شهید هیچ موقع وارد این مسائل نشدیم. علت آن هم این بود که ملاک ما فقط ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی است. وقتی هر یک از این نامه‌ها تأیید صلاحیت شدند یعنی مورد تأیید نظام و رهبری هستند. ملاک ما هم مثل روح‌الله فقط رهبر معظم انقلاب هستند و لاغیر.

■ **شنیدم شما با خانواده بعضی از شهدای اغتشاشات ۱۴۰۱ در ارتباط هستید؛ درست است؟**

**پدر شهید:** بله! با اکثر خانواده‌های شهدا در ارتباط هستیم. بعد از شهادت آقا روح‌الله و آقا آرمان، من با پدر شهید آرمان علی‌وردی ارتباط خوب و نزدیکی پیدا کردم و به صورت تلفنی جوابی احوال یکدیگر هستیم. پدر شهید آرمان اهل گرگان است و در آنجا کشاورزی دارد و مدتی تا سال را آنجاست. ■ **اگر توصیه یا نکته پایداری مدنظرتان است، بفرمایید.**

**پدر شهید:** امیدوارم رئیس‌جمهور جدید بتواند به مردم خدمت کند و در این راه موفق باشد. البته همه باید به رئیس‌جمهور کمک کنند تا بتواند مسؤولیت‌های قانونی‌اش را بخوبی انجام دهد، چرا که به صورت انفرادی هیچ کاری جلو نمی‌رود. از خدا می‌خواهم کشور ما پیشرفت سریع‌تری پیدا کند و در دنیا سربلند باشد.